

شماره چاپ: ۶۲۱

دوره نهم - سال دوم

شماره ثبت: ۳۲۴

تاریخ چاپ: ۱۳۹۲/۴/۸

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح تشکیل سازمان

مدیریت، برنامه ریزی و بهره‌وری»

(ویرایش اول)

کد موضوعی: ۲۳۰

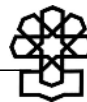
شماره مسلسل: ۱۳۱۶۷

شهریورماه ۱۳۹۲

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۳.....	مقدمه
۴.....	سابقه اجمالی تغییرات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور
۷.....	ضرورت‌های تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برخی مسائل اساسی
۱۶.....	راهکارهای پیش‌رو
۲۸.....	منبع و مأخذ



اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح تشکیل سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری»

(ویرایش اول)

### چکیده

به‌رغم انتقادهایی که درباره محدوده وظایف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و شیوه‌های اجرایی برخی از مأموریت‌های این سازمان (هم در سطح ملی و هم در سطح واحدهای استانی)، تغییر جایگاه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و واحدهای استانی این سازمان مطرح شده و به عقیده بسیاری از کارشناسان موجب ایجاد مشکلاتی برای کشور شده است؛ تشدید ناهماهنگی در سیاستگذاری اقتصادی کشور، عملکرد نامطلوب در اجرای برنامه چهارم توسعه، تأخیر در تدوین و تصویب برنامه پنجم و تأخیر در تهیه و تصویب بودجه‌های سنواتی چند سال اخیر از جمله مسائلی است که به تضعیف نقش و جایگاه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منتسب می‌شود.

نظر به تشکیل دولت جدید و با توجه به اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی که امور مربوط به برنامه و بودجه به رئیس‌جمهور یا شخص منصوب وی محول شده است مجلس شورای اسلامی می‌تواند در فضایی به دور از تعجیل و شتابزدگی،

دولت را جهت نوسازی مأموریت‌های سازمان مرکزی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در چارچوب یک نظام تدبیر شایسته در حوزه مدیریت بخش عمومی کشور یاری کند. درباره تشکیل این سازمان چند نکته قابل ذکر است:

۱. با توجه به اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند صلاحیت اداره امور برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و امور اداری و استخدامی را از رئیس‌جمهور سلب کند ولی این امر مانع آن نیست که نسبت به قاعده‌گذاری در خصوص این امور اقدام کند. بنابراین هر چند مجلس می‌تواند نسبت به تصویب قانونی برای تشکیل سازمان برنامه و بودجه اقدام کند، ولی باید اداره آن توسط رئیس‌جمهور یا شخص منصوب وی انجام گیرد.

۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در طول دوران فعالیت خود همواره در معرض انتقاد بوده است. بخشی از این انتقادات به مشکلات ساختاری نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی، بخشی به ناکارآمدی سازمان در انجام وظایف و بخشی نیز به دلیل ماهیت کنترلی و نظارتی این سازمان باز می‌گردد.

۳. مروری بر مشکلات اساسی در حوزه بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و نظام اداری کشور نشان می‌دهد که بسیاری از این مشکلات ریشه در ساختار اداری و مالی کشور دارد و این ساختارها به تدریج بستر نهادی را به وجود آورده‌اند که منجر به ناکارآمدی سازمان‌های ستادی از جمله سازمان مزبور شده است. تجربه ایجاد سازمان برنامه و بودجه و سپس ادغام و تجدید ساختار چندین باره این سازمان نشان داده است که بدون تعیین حقوق قوه مقننه و قوه مجریه در این امور و تغییر



اصول و قواعد اصلی از جمله قوانین و مقررات زیربنایی بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی و رویه و انگیزه‌ها، تحولات سازمانی اثری بر ماحصل بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی نخواهد داشت.

۴. با تغییر شیوه‌ها و رویه‌های انجام کار (اصلاح نهادها) می‌توان تعارض بین کارکردهای این سازمان و دستگاه‌های اجرایی کشور را کاهش داد، اما تغییر قوانین و مقررات زیربنایی نیازمند طراحی نظاماتی در حوزه‌های بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و امور استخدامی است و پس از طراحی چنین نظاماتی تغییرات سازمانی متناسب با آن، دستیابی به اهداف را امکانپذیر خواهد ساخت.

۵. با توجه به نکات فوق پیشنهاد مرکز پژوهش‌ها آن است که با تصویب ماده واحده‌ای زمان مناسبی در اختیار دولت جدید قرار داده شود تا پس از انجام تغییرات مورد نیاز در قوانین مبنایی مانند قانون بودجه و بودجه‌ریزی، قانون جامع برنامه‌ریزی، قانون جامع نظارت و... نسبت به تشکیل سازمان مناسب برای استقرار این نظامات اقدام کند.

## مقدمه

در ۲۸ خردادماه ۱۳۹۲ یک فوریت طرح تشکیل سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری توسط مجلس شورای اسلامی تصویب گردید. این گزارش ضمن بیان اجمالی سیر تغییرات اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نظرات متفاوتی که درباره ضرورت‌های تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مسائل اساسی که باید در این خصوص مورد توجه قرار گیرد را بررسی می‌کند و سه راهکار ارائه می‌دهد.

## سابقه اجمالی تغییرات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۱. در اجرای دو قانون «برنامه و بودجه» و «استخدام کشوری»، به ترتیب دو سازمان «برنامه و بودجه» و «امور اداری و استخدامی کشور» زیر نظر نخست‌وزیر تشکیل شد. براساس ماده (۴) قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ «سازمان برنامه و بودجه مؤسسه دولتی است که زیر نظر نخست‌وزیر اداره می‌شود و رئیس آن سمت وزیر مشاور را دارا خواهد بود». براساس مواد (۱۰۷) و (۱۰۹) قانون استخدام کشوری، در رأس سازمان امور اداری و استخدامی کشور، دبیر کل قرار داشت که توسط نخست‌وزیر منصوب می‌شد.

۲. اجرای قوانین فوق پس از انقلاب نیز ادامه یافت. دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی توسط نخست‌وزیر انتخاب می‌شد و رئیس سازمان برنامه و بودجه که سمت وزیر مشاور داشت، از مجلس رأی اعتماد می‌گرفت. تا اینکه شورای نگهبان در پاسخ به سؤالی، طی نظریه تفسیری به شماره ۱۰۱۸۴ مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۹ اعلام کرد «تعیین مشاور یا معاون نخست‌وزیر به عنوان وزیر مشاور جهت عملیات اجرایی، مغایر قانون اساسی است».

پیش از این نیز در نامه‌ای که در آذرماه سال ۱۳۶۰ توسط برخی از اعضای شورای نگهبان خطاب به رئیس‌جمهور وقت نگاشته شد، تذکر داده شد که «سازمان‌هایی که تحت نظر نخست‌وزیر یا وزیر مشاور است نیز باید حذف شود و یا مستقلاً وزارتخانه‌ای پیدا کند و یا به صورت یکی از ادارات تابعه وزارتخانه‌ها درآید». استدلال شورای نگهبان برای این نظرات لزوم عدم مداخله مستقیم نخست‌وزیر و



رئیس‌جمهور در امور اجرایی (یعنی بدون واسطه وزیر) بود که با عنوان معاون نخست‌وزیر یا وزیر مشاور تحقق می‌یافت.

۳. پس از این بود که مجلس طی قانونی تحت عنوان «قانون تغییر سمت وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه به وزیر برنامه و بودجه و قرار گرفتن سازمان بهزیستی زیر نظر وزارت بهداری» در تاریخ ۱۶/۱۰/۱۳۶۳ مقرر کرد که «از تاریخ تصویب این قانون سازمان برنامه و بودجه به وزارت برنامه و بودجه تغییر می‌یابد و سمت وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه به وزیر برنامه و بودجه تغییر می‌کند. کلیه وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات رئیس سازمان برنامه و بودجه به وزیر برنامه و بودجه محول می‌گردد. کلیه کارکنان و تشکیلات و تأسیسات و اموال سازمان برنامه و بودجه به وزارت برنامه و بودجه منتقل می‌شوند».

۴. در سال ۱۳۶۸ و در جریان بازنگری قانون اساسی، با توجه به سخنان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در شورای بازنگری مبنی بر لزوم قرار گرفتن امور برنامه و بودجه و اداری و استخدامی تحت نظر مستقیم رئیس دولت، اصل یکصد و بیست و هشتم قانون اساسی به شرح زیر تصویب شد: «رئیس‌جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً برعهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد». بدین ترتیب سازمان برنامه و بودجه تحت نظر رئیس‌جمهور قرار گرفت و تعیین رئیس آن به عهده وی قرار گرفت.

۵. در ۱۶/۱۲/۱۳۷۸ شورای عالی اداری مصوبه‌ای به شرح زیر به تصویب رساند: «سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه با کلیه وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی و نیروی انسانی و امکانات خود ادغام و نام آن به

«سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» تغییر می‌یابد».

۶. در تیرماه سال ۱۳۸۶ طبق مصوبه یکصدوسی و سومین جلسه، شورای عالی اداری به ریاست رئیس‌جمهور آقای محمود احمدی نژاد متن زیر را به تصویب رساند:

«معاونت نظارت و هماهنگی بر سیاست‌های اقتصادی و علمی معاون اول رئیس‌جمهور، معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی نهاد ریاست‌جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و مؤسسات وابسته آن، با تمام وظایف و اختیارات و مسئولیت‌ها و دارایی و تعهدات و اعتبارات و امکانات و نیروی انسانی، ادغام و باعنوان دو معاونت به نام‌های «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور» و «معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور» فعالیت می‌کنند».

همان‌طور که از توجه به سیر تحول تشکیلات مربوط به امور برنامه و بودجه مشخص است، این امور از ابتدا تحت نظر مستقیم رئیس دولت تشکیل شد و سپس به وزارتخانه تبدیل و پس از آن مجدداً تحت نظر رئیس‌جمهور قرار گرفت. آنچه در این میان تغییر کرده «جایگاه» این سازمان و به تبع آن «رئیس» آن است. توضیح آنکه در ابتدا و انتهای سیر تاریخی مذکور، این سازمان مستقیماً زیر نظر رئیس دولت فعالیت کرده ولی در میانه این سیر، جایگاه آن تنزل یافته و به عنوان وزارتخانه و زیر نظر یک وزیر به انجام وظیفه پرداخته است و لذا عنوان مسئول این سازمان نیز از «رئیس» به «وزیر» تغییر کرده است. آنچه باعث شد در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، جایگاه این سازمان مجدداً از «وزارت» ارتقا یافته و به زیر نظر مستقیم رئیس‌جمهور منتقل شود این بود که اعضای شورای بازنگری با توجه به نظرات



مسئولان اجرایی کشور، معتقد بودند امور برنامه و بودجه (و همچنین اداری و استخدامی) هرچند اموری اجرایی هستند، ولی با توجه به اینکه سایر فعالیت‌های دولت به آنها وابسته است، لازم است در اختیار رئیس دولت قرار گیرند تا او بتواند از آن برای پیشبرد امور استفاده کند. در زمانی که این تشکیلات تحت عنوان «وزارتخانه» فعالیت می‌کرد، این امکان به خوبی فراهم نبود و لذا نیاز به ارتقای تشکیلاتی احساس شد تا رئیس‌جمهور بیشتر امکان بهره بردن از این ابزارها را برای اداره امور داشته باشد.

درباره بُعد حقوقی موضوع این نکته نیز لازم به تأکید است که در هر حال مجلس نمی‌تواند صلاحیت «اداره» این امور را از رئیس‌جمهور سلب کند، ولی این امر مانع از آن نیست که نسبت به قاعده‌گذاری درخصوص این موارد اقدام کند، بنابراین مجلس می‌تواند نسبت به تشکیل سازمان برنامه و بودجه در قالب قانون اقدام نماید، ولی باید اداره آن توسط رئیس‌جمهور یا شخص منصوب وی انجام گیرد.

### ضرورت‌های تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برخی مسائل اساسی

به لحاظ کارکردی تهیه و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و بودجه‌های سنواتی و مسائل مرتبط با آنها محدوده اصلی فعالیت‌های قانونی این سازمان را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> با توجه به تجربیات حاصله از ده‌ها سال تصویب و اجرای قوانین برنامه و بودجه، به‌ویژه تجربیاتی که بعد از انقلاب اسلامی به دست آمده است همچنان این

۱. گرچه در طول زمان وظایف متعددی در قوانین برای این سازمان تعیین شد.

سؤال مطرح است که آیا نظامات برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی فعلی می‌تواند استمرار داشته باشد و سازوکارها و تصمیمات اتخاذ شده تا کنون اهداف مورد انتظار را حاصل کرده است یا نیاز به بازنگری، بازاندیشی و اصلاحات عمیق دارد؟

آنچه اکثر کارشناسان و تصمیم‌گیران بدان اتفاق نظر دارند، ضرورت وجود یک نهاد مرکزی برای برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت است تا ضمن اعمال یک مدیریت واحد بر نظامات فوق از تشتت آرا و تصمیم‌گیری پرهیز کرده تا براساس یک مدل کلان اقتصادی اهداف و وظایف و مأموریت‌های قانونی محوله را به بهترین نحو انجام دهد.<sup>۱</sup>

در اصل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (یا عنوان فعلی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت و راهبردی ریاست‌جمهوری) کارگزار رئیس‌جمهور برای اجرای وظایفی در برنامه‌نویسی، تدوین و تخصیص بودجه، نظارت بر امور محوله و امور اداری و استخدامی کشور بوده است، لکن کلیه تغییرات انجام شده در طی سالیان مختلف و توسط دولت‌های گوناگون ریشه در نارضایتی تصمیم‌گیران از عملکرد نهاد برنامه و بودجه با هر عنوانی بوده است، البته دو عامل اصلی نارضایتی را می‌توان موارد ذیل دانست:<sup>۲</sup>

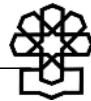
- مشکلات ساختاری در نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور،

- عملکرد نامطلوب سازمان در اجرای وظایف خود طبق قانون (قانون برنامه و

بودجه، قانون محاسبات عمومی و ...).

۱. البته برخی نظرات مخالف نیز وجود دارد لکن کارشناسان امر با توجه این نکته که در کشورهایی همانند ایران که عمده درآمد آنها از منابع زیرزمینی است نیاز به یک سازمان مرکزی تصمیم‌گیر برای تضمین سرمایه‌گذاری حداقلی این منابع را بسیار حیاتی می‌دانند.

۲. بخشی از دلایل نارضایتی نیز به ماهیت وظایف نظارتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باز می‌گردد. اصولاً دستگاه‌های اجرایی تمایلی به نظارت به وسیله دستگاه‌های دیگر را ندارند.



تعیین مرزی برای این دو عامل مشکل و تعیین سهم هریک از آنها در ایجاد وضعیت موجود دشوار است، اما در مجموع شرایطی به وجود آمده است که در حال حاضر برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی به دلایل زیر به ابزارهای ناکارآمدی در مدیریت بخش عمومی کشور تبدیل شده است:<sup>۱</sup>

### - مشکلات بودجه‌ریزی

۱. فرآیند تهیه، تصویب و اجرای بودجه فاقد جامعیت اطلاعاتی و شفافیت تصمیم‌های اجرایی است.

۲. مراحل مختلف بودجه‌ریزی از جمله تبصره‌نویسی، تحصیل درآمدها و ایجاد تعهدات مالی دارای کاستی‌های قانونی از نظر شکلی و ماهوی است.

۳. طبقه‌بندی هزینه‌ها، موافقتنامه‌ها، تخصیص اعتبارات و مدیریت‌های اجرایی بر مبنای متقن و تعریف شده‌ای استوار نیست.

۴. از مسئولیت‌های درون‌مدیریت دولت و در بین قوای سه‌گانه، مرزبندی‌های قطعی و تعریف شده‌ای وجود ندارد.

۵. تعاریف قانونی بودجه پاسخگوی نیازهای اجرایی و مدیریتی نیست و در آن

---

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به گزارش شماره مسلسل ۸۰۹۹ با عنوان بررسی پیامدهای الحاق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها به استانداری‌ها (ویرایش اول)، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس و گزارش شماره مسلسل ۸۴۶۵ با عنوان بررسی ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در نهاد ریاست‌جمهوری (مصوبه یکصدوسی و سومین جلسه شورای عالی اداری)، (ویرایش اول)، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس و گزارش به شماره مسلسل ۱۲۵۰۳ با عنوان کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات ۲. حوزه وظایف کمیسیون و فرصت‌های پیش‌رو، دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس، مراجعه نمایید.

ملاحظات کارکردی و فنی مورد توجه قرار نمی‌گیرد،

۶. اهمیت استفاده از الگوهای اقتصادسنجی کوتاه‌مدت ناشناخته مانده و پیش‌بینی آثار اجرایی بودجه بر متغیرهای اقتصادی به‌طور جدی معمول نیست،

۷. در بودجه‌ریزی کنونی به الگوهای رفتاری دولت و تأثیر آن در تخصیص منابع به مصارف واقعی گذارده نمی‌شود و از آنجا که ساختار اداری دولت بر پایه استقرار نظام سازمانی و استمرار وضع موجود است، آثار عملکردهای منفی تشکیلات و نارسایی‌های روش‌ها و مدیریت نیروی انسانی بر بودجه اجتناب‌ناپذیر است،

۸. نظام نظارتی برای پاسخگویی به مسئولیت‌های محاسباتی مدیران، نظارت در مراحل قبل، حین و پس از اجرا و نیز سازماندهی نظارت بر عملیات اجرایی برنامه‌های توسعه فاقد کارآیی است،

۹. بودجه سالانه به‌عنوان پاره‌ای از برنامه‌های توسعه میان‌مدت، باید در مطابقت‌های عملیاتی، اعتباری و زمانی با پیش‌بینی‌های برنامه تنظیم و اجرا شود. بنابراین انتظار می‌رود که سازماندهی برای اجرای این مأموریت و هدایت جریان‌های بودجه‌ای به سوی تحقق اهداف برنامه‌های توسعه از طریق ایجاد هماهنگی‌های ساختاری در تابعیت بودجه از برنامه صورت پذیرد. این درحالی است که تعارض‌ها یا ناسازگاری سیاست‌های بودجه‌ای با هدفگذاری مصوب برنامه‌های میان‌مدت، به تغییر هدف‌ها و صورت‌بندی‌های برنامه‌های توسعه منجر شده است.

۱۰. بسیاری از تصمیم‌ها و اقدام‌های اجرایی مستلزم تعهد بخشی از منابع سال‌های آتی کشور است، اما به دلیل روش ثبت و نگهداری حساب‌ها در نظام مالی کشور،



میزان تعهدات و به تبع آن میزان منابع آزاد و قابل دسترس در کشور در هر دوره زمانی برای تصمیم‌گیری مشخص نیست.<sup>۱</sup>

### - مشکلات برنامه‌ریزی

۱. به‌رغم بیش از نیم قرن سابقه برنامه‌ریزی، راهبرد مشخصی بر فرآیند برنامه‌ریزی کشور حاکم نیست، به‌طوری‌که نوع برنامه‌ها از نظر جامعیت، نگرش منطقه‌ای - بخشی، عمق و حد تفصیل و ... مشخص نبوده‌است.

۲. یکی از ویژگی‌های مهم در تدوین برنامه‌های توسعه ارتباط بین برنامه و کارگزاران اقتصاد ملی و روش هدایت کارگزاران اقتصادی است. این ارتباط نقش هریک از کارگزاران را در اجرایی کردن برنامه نشان می‌دهد. بررسی برنامه‌های تهیه شده در مجموع حاکی از این است که مشارکت نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برنامه‌ها وجود ندارد، لذا همسویی بخش خصوصی با اهداف و سیاست‌های دولت تضمین نمی‌شود.

۳. در برنامه‌ها، اولویت‌ها با بیان راهبرد و سیاست مشخص می‌شود. تجربه برنامه‌ریزی در گذشته حاکی از این است که یا تعیین اولویت‌ها از طریق طرح راهبردها و سیاست‌های مشخص، نادیده گرفته شده‌است یا حداکثر نوعی اولویت‌های زمانی بین خواسته‌ها مطرح شده که آن هم در عمل تحقق نیافته است. بنابراین، احکام برنامه بدون توجه به محدودیت‌های منابع تعیین می‌شوند و در عمل بین منابع مالی

---

۱. دفتر مطالعات برنامه‌بودجه: بودجه‌ریزی در ایران (مسائل و چالش‌ها)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱.

مورد نیاز برای انجام آنها و منابع در دسترس سازگاری وجود ندارد و با توجه به عدم اولویت‌بندی هزینه‌ها به هنگام کمبود منابع گزینش اولویت‌ها میسر نیست.

۴. موضوع دیگر بررسی سازگاری بین اهداف گوناگون و هماهنگی بین اقدامات مختلف در تحقق هریک از اهداف است. فقدان یک چارچوب سازمان یافته که امکان تحقق این ویژگی را فراهم سازد در نظام برنامه‌ریزی کشور آشکار بوده است. این موضوع به‌خصوص در تعیین، اولویت‌بندی و سازگاری اهداف بخشی و منطقه‌ای نمود یافته است. به‌طوری‌که نظام برنامه‌ریزی کشور هیچ بینشی درخصوص ارتباط بین اهداف و اینکه تحقق کدام یک برای حصول دیگر اهداف ضروری است و باید از تقدم برخوردار باشد، ارائه نمی‌کند.

۵. نظارت بر عملکرد برنامه‌ها از مهمترین ارکان نظام برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. در عمل نظارت مدونی بر تحقق اهداف برنامه به‌صورت جدی صورت نگرفته است و تا به حال هیچ ارگان یا مسئول دولتی درخصوص عدم تحقق اهداف برنامه مورد بازخواست یا پرسش قرار نگرفته است.

### – مشکلات نظام اداری

۱. کم‌توجهی به شایسته‌سالاری در نظام اداری،
۲. وجود ساختار متمرکز و متورم اداری،
۳. عدم تعریف الگوی مناسب و بومی جهت مدیریت بخش عمومی،
۴. ضعف در توان اجرایی مدیران ارشد دستگاه‌های دولتی و کم‌توجهی به



تصمیم‌گیری مشارکتی در برنامه در تحول اداری،

۵. غلبه فرهنگ سلسله‌مراتبی غلبه در نظام اداری،

۶. عدم اقتضایی عمل کردن در حل مسائل نظام اداری و تک‌بُعدی و تک‌نسخه‌ای بودن سازوکارهای تحول اداری.

فهرست این مسائل و مشکلات را می‌توان ادامه داد. پاره‌ای از این مشکلات ناشی از شرایط و احوال اقتصادی و اجتماعی است، اما برخی از آنها که اهمیت بسیار بیشتری دارند ریشه در ساختار اداری و مالی کشور دارد. این ساختارها به تدریج «بستر نهادی» را به وجود آورده‌اند که منجر به ناکارآمدی سازمان‌های مسئول شده است. در گفتگوهای معمول واژه «نهاد» مترادف با «سازمان» به کار می‌رود. اما نهادها با عنوان اصول و قواعد بهتر شناخته شده و از این طریق سازمان‌هایی که تحت این اصول و قواعد اداره می‌شوند، متمایز می‌گردند.<sup>۱</sup> بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و نظارت تحت تأثیر عمیق نهادهای موجود هستند. این نهادها از مجموعه قواعد رسمی و غیررسمی تشکیل می‌شوند و بسیاری از اصلاحات فنی یا سازمانی به سبب تعارض با اصول و قواعد غیررسمی و نامشهود شکست می‌خورند. سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مسئول بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و نظارت می‌توانند ادغام، تجدید ساختار یا ایجاد شوند، اما هیچ تغییری در رفتارهای آنها و از این رو در ماحصل بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و نظارت حاصل نخواهد شد مگر آنکه اصول و قواعد اصلی از جمله قوانین و مقررات زیربنایی بودجه‌ریزی و

---

۱. اگر از یک مثال ورزشی استفاده کنیم در فوتبال بهتر یا بدتر بودن بازی بستگی به بازیکنان دارد. اما تمام بازیکنان باید از اصول و قواعد یکسانی تبعیت کنند. نهاد فوتبال بجز از طریق تغییر قواعد اصولی (مثلاً جواز استفاده از دست) تغییر نمی‌کند.

برنامه‌ریزی، رویه‌ها و انگیزه‌ها نیز تغییر کرده باشد.<sup>۱</sup>

حال برای آنکه مجموعه مشکلات ذکر شده و بسیاری موارد دیگر که در نظام مدیریتی کشور حتی با تصمیمات و تغییرات ظاهری انجام گرفته همچنان چندین سال است که وجود دارد برطرف شود، نیاز است تا نگاهی جامع‌تر و وسیع‌تر به موضوع داشته باشیم. برخی از این معضلات به شیوه‌ها و رویه‌های اداری مدیریت بخش عمومی کشور و برخی دیگر به قوانین و مقررات زیربنایی بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و استخدامی کشور بازمی‌گردد. بدیهی است سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به دلیل نقش گسترده و تعاملی که با سطوح نظام تدبیر در کشور دارد و به سبب وظایف گوناگونی که در مجموعه قوانین کشور به آن واگذار شده است، در حال حاضر بدیلی در نظام تدبیر کشور ندارد. این سازمان که نهادی ستادی و فرابخشی است نقش برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، تنظیم امور اداری و استخدامی، نظارت و هماهنگی را برعهده داشته و مشاور امین و اصلی ریاست جمهوری است.

اگرچه واضح است که نظام اداری و اجرایی و سامانه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصادی کشور از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیازمند تغییر و اصلاح و به سخن دقیق‌تر دگرگونی و بازسازی است، اما طی چند سال اخیر به‌ویژه پس از مصوبه اخیر شورای عالی اداری، تغییراتی در ساختار و وظایف قانونی این سازمان در هر دو سطح ملی و استانی به عمل آمده است که اظهارنظرهای موافق و مخالف را در میان جامعه کارشناسی کشور، ایجاد کرده است.

۱. برای اطلاع بیشتر به گزارش «مسئله سیاستگذاری در اقتصاد ایران از نظر گروه مشاورین هاروارد» به شماره ۱۳۱۶۵ مراجعه کنید.



لذا تصمیم‌گیری آتی مجلس و دولت جدید در این خصوص و اتخاذ راهکارهای مناسب با توجه به چندین دهه تجربه تصمیمات مختلف باید به دور از هرگونه سطحی‌نگری و تعجیل باشد، قطعاً اتخاذ راهکارهای مناسب در پرتوی انجام سلسله مطالعات کارشناسی عمیق و شناسایی مسائل اساسی در حوزه‌های مأموریت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و پاسخگویی به سؤالات اساسی است که حول ساختار و جایگاه سازمان (معاونت‌های فعلی) وجود دارد.

سؤالات اساسی که حول ساختار و جایگاه سازمان وجود دارد شامل موارد زیر است:

- در نظام تدبیر و مدیریت کلان اقتصاد جایگاه سازمان مرکزی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی چیست؟
- آسیب‌های حقوقی و اداری وضعیت قبلی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چه بوده است و چه راهکارهایی برای جلوگیری از آن وجود دارد؟
- وظایف اصلی سازمان در امور برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی چه باید باشد؟
- تجربه تفکیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از سازمان امور استخدامی بهتر است یا ادغام آن دو؟
- برای انجام وظایف و مأموریت‌ها (پس از اجماع) چه ساختاری از لحاظ حقوقی و کارکردی مناسب است؟
- آیا می‌توان ترتیباتی اتخاذ کرد که در این سازمان سطح سیاسی از سطح کارشناسی تفکیک شود؟
- آیا تاکنون ارزیابی جامعی درخصوص آثار تصمیمات این سازمان انجام شده

است؟ نتایج آنها چه بوده است؟

به عبارتی پاسخگویی به سؤالات فوق و پیدا کردن راهکارهای مناسب، دقیق، کارشناسی شده و قانونمند برای رفع معضلات ذکر شده در فضایی بدون تعجیل و همراه با اجماع نظرات کارشناسی می‌تواند تصمیم‌گیران امر را در ایجاد تغییرات اساسی در نظامات کلان اداری کشور رهنمون سازد.

### راهکارهای پیش‌رو

با توجه به مطالب بیان شده سه رویکرد عمده درخصوص پیش‌نویس طرح ارائه شده پیشنهاد می‌گردد:

#### رویکرد اول

برای داشتن یک نظام برنامه‌ای و بودجه‌ای شفاف، طراحی نظام تدبیر در سطح کلان ضروری است. بنابراین نظر به اهمیت موضوع، تعجیل در تعیین شرح وظایف با ساختار سازمانی در حال حاضر ضرورتی ندارد. لذا پیشنهاد می‌شود ماده واحده زیر جایگزین مفاد طرح پیشنهادی شده و به تصویب کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اجتماعی برسد؛ از جمله مزایای این راهکار این است که براساس آن ضمن اعلام نظرات جدی نمایندگان محترم درخصوص لزوم انجام تغییرات اساسی در ساختار نظامات بودجه‌ریزی، برنامه‌ریزی و نظارت زمان مناسبی در اختیار دولت جدید قرار داده می‌شود تا پس از انجام تغییرات مورد نیاز در قوانین مبنایی مانند



قانون بودجه و بودجه‌ریزی، قانون جامع برنامه‌ریزی، قانون جامع نظارت و... نسبت به تشکیل سازمان مناسب برای استقرار این نظامات اقدام کند.

### ماده واحده

در اجرای اصول پنجاه و دوم، پنجاه و سوم و یکصد و بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور استقرار نظام تدبیر شایسته و در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام و به منظور استقرار نظام برنامه و بودجه مناسب، دولت مکلف است ظرف مدت یک سال اقدام قانونی لازم را برای اصلاح نظام برنامه‌ریزی، نظام بودجه‌ریزی، نظام نظارت و ارزشیابی و نحوه گزارش‌دهی به قوه مقننه و عموم مردم انجام دهد. مجموعه این اصلاحات باید به گونه‌ای طراحی گردد که علاوه بر شفافیت مفاد اسناد برنامه‌ها و بودجه‌ها و مشخص بودن مسئولیت دستگاه‌های اجرایی، حقوق قوه مقننه در امور برنامه و بودجه به روشنی در آنها بیان و تأمین گردد.

دولت مکلف است شرح وظایف و ساختار سازمانی مناسب برای استقرار نظامات فوق در یک سازمان مستقل را به گونه‌ای تعیین کند که مجموعه سیاستگذاری‌های اقتصادی کشور نیز در شورای اقتصاد متمرکز شود.

### رویکرد دوم

در صورتی که اصرار به تعیین چارچوبی تفصیلی‌تر برای سازمان مزبور است ضروری است با عنایت به اصول پنجاه و دوم، پنجاه و سوم و یکصد و بیست و ششم قانون اساسی،

قاعده‌گذاری درخصوص سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی محدود به مسائل اساسی، ارکان کلی سازمان، مأموریت‌های کلان و ذکر عمده وظایف اولویت‌دار شود. بدین ترتیب می‌توان اقدام به اصلاح پیش‌نویس مصوب در قالب ذیل کرد:

#### ماده (۱)

به‌منظور احیا و استقرار نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی مناسب و تأمین موجبات رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به اصول پنجاه و دوم، پنجاه و سوم و یکصد و بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از تاریخ تصویب این قانون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور براساس موازین و مقررات زیر تشکیل می‌گردد.

#### ماده (۲)

وظایف سازمان عبارت است از:

الف) طراحی و تدوین نظام برنامه‌ریزی متناسب، بررسی و پیشنهاد برنامه‌های عملیاتی برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام و تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛

ب) طراحی و تدوین نظام بودجه‌ریزی متناسب، تهیه و تنظیم بودجه‌های سالیانه به‌عنوان برنامه‌های کوتاه‌مدت و اجرایی دولت،



- ج) طراحی و تدوین نظام اداری کشور و تعیین سیاست‌های لازم به‌منظور زمینه ارتقای کارآیی نظام مدیریت بخش عمومی کشور،
- د) ارائه چارچوب‌های مناسب برای تهیه استانداردها و معیارهای فنی، اجرایی و ضوابط مربوط به بررسی‌های اقتصادی و مالی کشور،
- ه) ارائه چارچوب‌های لازم برای بررسی و تعیین ظرفیت‌ها و امکانات اجرایی کشور و تشخیص حدود صلاحیت و توان تخصصی مجریان توسط نهادهای صنفی،
- و) طراحی و ایجاد نظام گزارش‌گیری و نظام نظارت و مراقبت مستمر بر پیشبرد جریان‌های اجرایی و همکاری در تشخیص و رفع موانع و مسائل مربوط و اعمال نظارت عملیاتی بر اجرای فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی از نظر مطابقت عملیات و نتایج حاصله با هدف‌ها و سیاست‌های تعیین شده،
- ز) طراحی و ایجاد نظام آماری کشور و گزارش‌گیری بهنگام از جریان‌های اجرایی،
- ح) انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی در زمینه‌های لازم و تهیه گزارش‌های مورد نیاز،
- ط) ارزشیابی کارآیی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور،
- ی) تدوین شاخص‌های نظم و انضباط مالی و تهیه گزارش‌های سالیانه،
- ک) ارزیابی میزان پیشرفت کشور در چارچوب موازین سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های میان‌مدت،
- ل) برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، راهبری، پایش و ارزیابی بهره‌وری عوامل تولید.

**ماده (۳)**

ارکان سازمان عبارتند از: رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با سمت معاون رئیس‌جمهور و شورای عالی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت. ریاست شورای عالی برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و نظارت برعهده رئیس‌جمهور است و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اداره امور سازمان را برعهده دارد.

**ماده (۴)**

شورای برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و نظارت مرکب از اعضای شورای اقتصاد به اضافه نمایندگان بخش غیردولتی و ۳ نفر از مشاوران خبره در حوزه اقتصاد به پیشنهاد شورا و حکم رئیس‌جمهور است.

**ماده (۵)**

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دارای شخصیت حقوقی و مالی بوده و اداره امور آن و مؤسسات تابعه و همچنین تشکیلات و نظام استخدامی و پرداخت آن تابع اساسنامه و آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد سازمان و تأیید هیئت وزیران به مرحله اجرا درخواهد آمد.



#### ماده (۶)

به منظور تحقق نظام تدبیر شایسته در تعامل با نیازهای جهانی و در جهت تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام و به منظور استقرار نظام برنامه و بودجه مناسب دولت مکلف است ظرف مدت یک‌سال اقدام قانونی لازم را برای اصلاح نظام برنامه‌ریزی، نظام بودجه‌ریزی، نظام نظارت و ارزشیابی و نحوه گزارش‌دهی به قوه مقننه و عموم مردم انجام دهند. مجموعه این اصلاحات باید به‌گونه‌ای طراحی گردد که علاوه بر شفافیت مفاد اسناد برنامه‌ها و بودجه‌ها و مشخص بودن مسئولیت دستگاه‌های اجرایی، حقوق قوه مقننه در امور برنامه و بودجه به روشنی در آنها بیان و تأمین گردد.

#### ماده (۷)

به منظور انجام مطالعات مستمر و انتخاب شیوه‌های مناسب در اجرای وظایف یاد شده و همچنین تربیت نیروی انسانی مورد نیاز با استفاده از خدمات هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی کشور، حوزه علمیه و کارشناسان و صاحب‌نظران کشور در این زمینه «مؤسسه عالی مطالعات برنامه‌ریزی و پژوهش‌های توسعه‌ای» وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تشکیل می‌گردد. کلیه امکانات، دارایی‌ها و تعهدات مؤسسه عالی پژوهش و آموزش مدیریت و برنامه‌ریزی به این مؤسسه منتقل می‌شود.

### ماده (۸)

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (با تمام دستگاه‌های ذیل از جمله سازمان ملی بهره‌وری ایران) و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور با کلیه نیروی انسانی، دارایی‌ها و تعهدات خود به سازمان برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور منتقل می‌شود.

### رویکرد سوم<sup>۱</sup>

این رویکرد قدری مفصل‌تر از رویکرد دوم است و در آن برای ۱۰ سرفصل احکام و موادی ذکر شده است که عبارت است از:

تأسیس سازمان و جایگاه آن، مأموریت‌ها و اختیارات، نحوه اداره، ساختار، مدیریت و استقلال سازمان، وجود یک شورای هدایتگری و مشورتی، نوع رابطه سازمان با سایر شوراهای مشورتی و تخصصی، روشن شدن تکلیف واحدهای استانی سازمان، ضمانت‌های اجرایی تصمیمات سازمان، تعیین تکلیف سازمان‌های وابسته، نظام بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی، وظایف و تکالیف فعلی سازمان.

---

۱. این بخش محصول کار عده‌ای از کارشناسان از جمله برخی از مدیران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است که طی برگزاری جلساتی در کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مأموریت یافته بودند تا پیش‌نویس جامعی را تهیه کنند.



## ماده (۱)

به منظور هدایت برنامه‌های، طراحی نظام‌های مدیریتی و نظارت بر اجرای امور و در راستای تحقق اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که در این قانون سازمان نامیده می‌شود، از ادغام معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، تحت نظارت و مسئولیت مستقیم رئیس‌جمهور، با مأموریت‌ها، وظایف و اختیارات ذیل تشکیل می‌گردد.

## ماده (۲)

مأموریت‌ها، وظایف و اختیارات سازمان عبارتند از:

الف) مأموریت برنامه‌ریزی شامل وظایف ذیل:

۱. راهبری تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و انجام مطالعات توسعه‌ای، آینده پژوهی و آمایش سرزمین با هدف بهره‌گیری در تدوین برنامه‌های ملی و منطقه‌ای.
۲. طراحی سامانه اطلاعاتی و تدوین شاخص‌ها و معیارهای لازم برای جمع‌آوری اطلاعات از طریق مرکز آمار ایران به منظور تأمین نیازهای تدوین برنامه و نظارت بر آن.
۳. ارائه پیشنهاد و اظهار نظر نسبت به الگوهای مدیریتی نوین برای اداره مطلوب بخش‌های مختلف کشور.
۴. تدوین الگو و نظامنامه تنظیم برنامه‌ها و بودجه کشور و تهیه پیش‌نویس برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت، عملیاتی و توسعه استانی.

ب) مأموریت بودجه‌ریزی و استفاده بهینه از منابع شامل وظایف ذیل:

۱. تهیه چارچوب میان‌مدت بودجه‌های سالانه متناسب با برنامه‌ها.

۲. ابلاغ بودجه مصوب به همراه شرح عملیات، شامل اهداف کمی و قیمت تمام

شده خدمات و طرح‌ها.

۳. تأیید استانداردهای کمی و کیفی ارائه خدمات در بخش‌های دولتی.

۴. ارائه چارچوب‌ها و تأیید استانداردهای به‌کارگیری منابع انسانی و فیزیکی

مورد نیاز برای تولید خدمات و تهیه معیارها و ضوابط فنی و اجرایی به‌منظور

طراحی و اجرای پروژه‌های عمرانی و خرید تجهیزات.

۵. تدوین ضوابط تشخیص صلاحیت و رتبه‌بندی مهندسين مشاور، پیمانکاران و

مؤسسات طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی به‌منظور ارجاع کار، برون‌سپاری و

اجرای پروژه‌های عمرانی و نظارت بر اجرا آن ضوابط.

ج) مأموریت امور مدیریتی، بهره‌وری و اداری و استخدامی شامل وظایف ذیل:

۱. طراحی و استقرار نظام بهره‌وری در دستگاه‌های اجرایی.

۲. بررسی و تعیین نقش‌ها و حدود وظایف بخش دولتی، بخش خصوصی،

شهرداری‌ها، سازمان‌ها، تعاونی‌ها و نهادهای غیردولتی در اداره کشور و تدوین

راهبردها و نحوه استفاده از فناوری‌های نوین برای انجام وظایف بخش دولتی.

۳. ارائه پیشنهاد در زمینه طراحی ساختار کلان دولت، ایجاد سازمان‌های جدید

و ضوابط تنظیم ساختار دستگاه‌های اجرایی و بررسی و تأیید پیشنهادهای مرتبط.

۴. تدوین ضوابط و معیارهای طراحی و راهبری اصلاح فرآیندهای انجام کار و

استقرار دولت الکترونیک.



بهره‌وری، اثر بخشی، شفافیت، پاسخگویی، نقش و مشارکت مردم در اداره امور کشور و انتشار عمومی آنها.

۳. طراحی معیارهای ارزیابی عملکرد و انجام ارزیابی و رتبه‌بندی دستگاه‌های اجرایی در میزان تحقق برنامه‌ها و انجام اصلاحات اداری و مدیریتی.

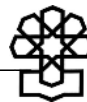
۴. نظارت و ارزیابی بر اجرای پروژه‌های عمرانی و فعالیتهای ویژه دستگاه‌های اجرایی و تهیه گزارش‌های نظارتی.

### ماده (۳)

ساختار سازمانی و مقررات اداری و استخدامی نحوه اداره سازمان و واحدهای استانی، متناسب با مأموریت‌ها و وظایف پیش‌بینی شده در این قانون و سیاست‌های حاکم بر سازمان‌های منعطف، بهره‌ور، یادگیرنده، چابک و کوچک، حداکثر ظرف مدت سه ماه، توسط سازمان تهیه و به تأیید رئیس‌جمهور می‌رسد.

### ماده (۴)

واحدهای استانی این سازمان با رویکرد تقویت مدیریت‌های محلی و تراکم‌زدایی از وظایف و اختیارات دستگاه‌های مرکزی، تهیه برنامه‌های توسعه استانی به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیر برای تخصیص منابع در استان و فراهم کردن اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی و اداره هر استان از محل تفکیک وظایف، امکانات و اختیارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق که به استانداری‌ها ملحق شده است ایجاد می‌گردند و



به‌عنوان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، تحت نظر سازمان و هماهنگ با استانداران اداره می‌شوند.

#### ماده (۵)

تصمیمات و اطلاعات در خواستی این سازمان در اجرای مأموریت‌ها و وظایف محوله برای کلیه دستگاه‌های اجرایی لازم‌الاجرا می‌باشد و گزارش‌های غیرطبقه‌بندی شده این سازمان باید به اطلاع مسئولین ذیربط و مردم برسد.

#### ماده (۶)

معاونین این سازمان پس از تأیید رئیس‌جمهور و با حکم رئیس سازمان، منصوب می‌گردند.

#### ماده (۷)

سازمان‌ها و مراکز وابسته به معاونت‌های مذکور در ماده (۱) به‌عنوان سازمان‌ها و مراکز زیرمجموعه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی منظور می‌گردند.  
**تبصره -** مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی از ریاست‌جمهوری منتزع و به این سازمان ملحق می‌گردد.

**ماده (۸)**

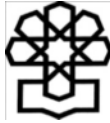
آن دسته از وظایف و دبیرخانه شوراهای قانونی که در قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون برنامه و بودجه و سایر قوانین جاری کشور برای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق و معاونت‌های رئیس‌جمهور در ماده (۱)، پیش بینی شده است و مغایرتی با مأموریت‌ها و وظایف مذکور در این قانون ندارد به این سازمان منتقل می‌گردد.

**ماده (۹)**

به منظور تبدیل سازمان به سازمانی پویا، هدایتگر، سیاستگذار، ناظر و پاسخگو، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است حداکثر ظرف مدت ۶ ماه آن دسته از وظایف و سازمان‌هایی که به موجب قوانین یاد شده در ماده (۸)، جنبه اجرایی داشته و به این سازمان منتقل می‌گردند و قابل واگذاری به دستگاه‌های اجرایی (ملی و استانی) می‌باشند را مشخص و پس از اخذ تأیید رئیس‌جمهور به آنها واگذار نماید.

**منبع و مأخذ**

در گزارش ذکر شده است.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۱۶۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح تشکیل سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری» (ویرایش اول)

نام دفاتر: مطالعات برنامه و بودجه (گروه برنامه)، مطالعات حقوقی

تهیه و تدوین: ایمان تهرانی

ناظر علمی: محمد قاسمی

مقتضی: کمیسیون اجتماعی

همکار: سیدمحمد هادی راجی (دفتر مطالعات حقوقی)

اظهار نظر کنندگان: بایزید مردوخی، بیژن رحیمی‌دانش، محمود عسگری آزاد، فیروز توفیق

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۹۲/۴/۵

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۹۲/۶/۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۴